

## مطالعه تطبیقی اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی در اشعار شیرکو بی‌کس و مهدی اخوان ثالث بر اساس نظریه تحلیل گفتمان لاکل و موف

حیدر عبداللهی\*<sup>۱</sup>، بهناز علی‌پور گسگری<sup>۲</sup>، ایوب مرادی<sup>۳</sup>، بهناز پیامنی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

## Comparative Study of Socio-Political Thoughts in the Poems of Sherko Bekas and Mehdi Akhavan Sales Based on Laclau and Mouffe's Discourse Analysis Theory

Haidar Abollahi\*<sup>1</sup>, Behnaz Alipoor Gaskari<sup>2</sup>, Ayoob Moradi<sup>3</sup>, Behnaz Payamani<sup>4</sup>

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

4. Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2021/06/30

Accepted: 2022/01/22

10.30473/jl.2022.58295.1467

### Abstract

Discourse analysis is one of the relatively new theories that was first introduced in politics and social sciences, and then entered the literary debate and provided a basis for the study and analysis of literary concepts. Discourse analysis took three structural, functional and critical orientations until Laclau and Mouffe eventually added new dimensions to it by combining previous theories and adding new concepts. In this research, socio-political ideas in the poems of Sherko Bekas and Mehdi Akhavan Sales have been studied based on Laclau and Mouffe's discourse theory and the differences and similarities between the views of the two poets on the nodal point (patriotism) and the floating points around it such as freedom, justice, love and human are described. The findings of the present study, which is a descriptive-analytical method based on library and documentary methods, show that both poets have many similarities and in some cases have slight differences in socio-political thought and this was due to the social and cultural commonalities in Persian and Kurdish literature, as well as the special circumstances of the period of the two poets.

**Keywords:** Discourse Analysis, Sherko Bekas, Akhavan Sales, Laclau and Mouffe, Sociolinguistics.

### چکیده

تحلیل گفتمان از نظریه‌های نسبتاً جدیدی است که ابتدا در سیاست و علوم اجتماعی مطرح شد و سپس وارد مباحث ادبی گردید و مبنایی برای بررسی و تحلیل مفاهیم ادبی فراهم ساخت. تحلیل گفتمان مسیره‌های سه‌گانه ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی را طی کرد تا سرانجام لاکل و موف با تلفیق نظریه‌های پیشین و افزودن مفاهیمی تازه ابعادی دیگر به آن بخشیدند. در این پژوهش، اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی در اشعار شیرکو بی‌کس و مهدی اخوان ثالث بر مبنای تحلیل گفتمان لاکل و موف بررسی شده است و تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های دو شاعر در زمینه دال مرکزی (میهن‌پرستی) و دال‌های شناور پیرامون آن مانند آزادی، عدالت، عشق و انسان تشریح شده است. یافته‌های پژوهش حاضر، که به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته، نشان می‌دهد دو شاعر دارای اشتراکات بسیار و تفاوت‌های اندک در اندیشه اجتماعی - سیاسی هستند و این به علت اشتراکات اجتماعی و فرهنگی در ادب فارسی و کردی و همچنین شرایط خاص دوره دو شاعر بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** اخوان ثالث، تحلیل گفتمان، شیرکو بی‌کس، لاکل و موف، زبان‌شناسی اجتماعی.

\*Corresponding Author: Haidar Abollahi

Email: haidar.abdollahi@gmail.com

\* نویسنده مسئول: حیدر عبداللهی

## مقدمه

تحلیل گفتمان به مثابه نظریه‌ای نوپدید ابتدا در فلسفه، سیاست و علوم اجتماعی مطرح شد و سپس به حیطه ادبیات و شعر راه یافت. این نظریه وامدار دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی چون گرامشی، آلتوسر، سوسور، میشل فوکو و دریدا است. در مباحث گفتمانی، متن فراتر از جمله و در ارتباط با جامعه، سیاست و هژمونی مطرح در آن بررسی می‌شود. تحلیل گفتمان توانایی خاصی در بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی، سیاسی و ادبی دارد و به کمک آن می‌توان ساختار و نشانه‌های مطرح در این مضامین را تحلیل کرد.

تحلیل گفتمان به نظام معنایی بزرگ‌تر از زبان تعلق دارد که می‌تواند سطح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را در بر گیرد. به همین منظور، از جمله و جنبه‌های دستور زبانی فراتر رفته، متن را بر اساس بافت اجتماعی و سیاسی جامعه تحلیل می‌کند. ریشه رویکردهای جدید گفتمانی را در برداشت متفاوت از زبان و گفتمان در دو نوع نگرش ساخت‌گرا و نقش‌گرا می‌توان یافت. در نگرش ساخت‌گرا، گفتمان به بررسی و تحلیل واحدهای بزرگ‌تر از جمله می‌پردازد. «از این منظر، مطالعه واحدهای کوچک‌تر از جمله وظیفه دستور زبان و مطالعه واحدهای بزرگ‌تر از جمله وظیفه تحلیل گفتمان است» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۲).

نظریه لاکلا و موف که در سال ۱۹۸۵ مطرح شد، به همه امور اجتماعی و حتی مادی نگاهی گفتمانی دارد و عناصر ایدئولوژیک و هژمونی را در بافت متن بررسی می‌کند. در این دیدگاه، توجه به معنا واجد اهمیت بیشتری است. از این رو، به قدرت و ایدئولوژی نگاهی متفاوت دارد و قدرت را در دست افرادی خاص محدود نمی‌بیند، بلکه آن را در سطح جامعه امری گسترده می‌شناسد و قدرت و دانش ارتباطی تنگاتنگ دارند و گفتمان بر همین اساس شکل می‌گیرد. در نظریات لاکلا و موف مهم‌ترین نشانه‌ها «دال مرکزی» خوانده می‌شوند و به دال‌های دیگری که حول دال مرکزی شکل گرفته‌اند «وقته» یا لحظه گفته می‌شود.

پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی، براساس نظریه تحلیل گفتمانی ارنستو لاکلا<sup>۱</sup> و شنتال موف<sup>۲</sup>، به بررسی مضامین اجتماعی - سیاسی در اشعار مهدی اخوان ثالث و شیرکو بیگس پرداخته است. دال مرکزی (میهن‌پرستی) و برخی از دال‌های شناور در اندیشه دو شاعر،

شامل آزادی، عدالت، عشق و انسان، و مدل‌های متغیر آنها در اشعار دو شاعر بررسی و تحلیل شده، تفاوت دیدگاه‌های آنها بر اساس نظریه تحلیل گفتمان بیان شده است.

## پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقی مستقل بر اساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف در خصوص مضامین و مفاهیم اجتماعی و سیاسی اشعار شیرکو بیگس و اخوان ثالث و وجوه تشابه و تفاوت دیدگاه‌های آنان صورت نگرفته است. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که در حوزه گفتمان و تحلیل گفتمان اشعار شیرکو و اخوان صورت گرفته اشاره می‌شود:

حلیمه میراحمدکی و اطهر تجلی اردکانی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان اوصاف طبیعت و احوال اجتماع در اشعار مهدی اخوان ثالث براساس رویکرد ون‌دایک» مضامین طبیعی و اجتماعی در دیوان اخوان ثالث را بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک بررسی کرده‌اند. در این نوشتار شگردهای هنری اخوان و پیوند شعر او با اجتماع شناسانده شده و مشخص شده است که اخوان با به‌کارگیری عناصر و پدیده‌های طبیعت به شکل نمادین، وضعیت جامعه خود را ترسیم کرده است. اخوان با به‌کارگیری نماد و استفاده از رمزگان طبیعت و ساختار نحوی زبان کوشیده است گفتمانی در جهت خدمت به محرومان و مبارزه با سلطه خلق کند.

رقیه صدرایی و معصومه صادقی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان ناسیونالیستی در مجموعه اشعار احمد شاملو (بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف)»، به بررسی مؤلفه‌های ناسیونالیستی و استقلال‌طلبی در اشعار احمد شاملو بر اساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف پرداخته‌اند. در این پژوهش، گفتمان ناسیونالیستی شاملو در مواجهه با گفتمان حاکم، یعنی گفتمان پهلویسم، مطرح شده و استقلال و آزادی به عنوان دال شناور در جایگاه دال مرکزی قرار گرفته است. همچنین، به میهن‌دوستی، وحدت ملی و آرمان دولت ملی مفاهیمی تازه بخشیده شده و پیرامون دال مرکزی مفصل‌بندی شده است.

جهانگیر جعفری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در اشعار نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث» مضامین و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مشترک در اشعار نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث را بررسی و تحلیل کرده است. در این نوشتار تأثیر اخوان ثالث در تبیین و ارتقای مفاهیم اجتماعی و سیاسی شعر به

به مثابه ساخت‌های گفتمانی قابل فهم‌اند» (فیلیپس و یورگسن، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۴).

مهم‌ترین مؤلفه‌های تحلیل گفتمان لاکلا و موف که در تحلیل و بررسی متون مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

### ۱) مفصل‌بندی

مفصل‌بندی<sup>۳</sup> از مفاهیم اساسی در نظریه لاکلا و موف است که موجب برقراری ارتباط میان عناصر مختلف تشکیل‌دهنده گفتمان می‌شود به طوری که هویت این عناصر نسبت به معنای اصلی خودش تغییر و تحول پیدا می‌کند و با توجه به حوزه گفتمانی که در آن قرار می‌گیرد، معنای خاصی به خودش می‌گیرد. در مفصل‌بندی، مجموعه‌ای از انسان‌ها، روابط، مضامین و جملات حول یک دال مرکزی قرار می‌گیرند و به زندگی انسان‌ها معنا، اعتبار و هویت می‌بخشند و هر چیزی که خارج از حوزه گفتمان و مفصل‌بندی قرار گیرد، معنا و اعتباری ندارد. برای مثال، می‌توان به کاربرد کلمه «آزادی» در حکومتی طرفدار دموکراسی و حکومتی استبدادی اشاره کرد که بار معنایی آن متفاوت خواهد بود.

لاکلا و موف درباره مفصل‌بندی چنین می‌گویند: «ما مفصل‌بندی را هرگونه عملی به شمار می‌آوریم که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت کند به نحوی که هویتشان در نتیجه عمل مفصل‌بندی دستخوش تغییر شود. آن کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان خواهیم خواند. مواضع مبتنی بر تفاوت را تا زمانی که در قالب گفتمان مفصل‌بندی شده باشد، «بُعد» خواهیم خواند. در مقابل، هر تفاوتی را که به شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد، «عنصر» نام خواهیم نهاد» (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۱۲).

### ۲) برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

گفتمان‌ها با استفاده از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی<sup>۴</sup> سعی می‌کنند نقاط قوتشان را برجسته و نقاط ضعف خود را پنهان و کم‌رنگ نشان دهند و برعکس، نقاط قوت حریف یا دشمن را کم‌رنگ و نقاط ضعف او را برجسته سازند. به بیان دیگر، گفتمان‌ها از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی برای برتری و تقویت خود و تضعیف دیگری یا دشمن استفاده می‌کنند. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دارای دو چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است که بیانگر نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای

سیک‌نمایی بیان شده و ادعا شده است که اخوان مانند نیمان در بیان اهداف خود از زبان سمبلیک استفاده کرده است.

با توجه به پیشینه‌های مذکور که عموماً به تحلیل محتوای مضامین مشترک، زبان سمبلیک و گفتمان‌های خودآگاه و ناخودآگاه در اشعار دو شاعر تعلق دارد، نوشتار حاضر، با محوریت گفتمان سیاسی - اجتماعی در اشعار شیرکو بیگس و اخوان ثالث بر اساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، به مطالعه و بررسی دال مرکزی و دال‌های شناور و وجوه مفصل‌بندی آنها پرداخته است.

### تحلیل گفتمان لاکلا و موف و مفاهیم اصلی آن

ارنستو لاکلا و شنتال موف در سال ۱۹۸۵ با تلفیق و بازخوانی نظریه متفکرانی مانند دو سوسور، فوکو، گرامشی، فرکلاف، آلتوسر و پساساختارگرایی دریدا، با تألیف کتابی به نام *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*<sup>۱</sup> نظریه گفتمان مورد نظر خود را مطرح کردند. نظریه لاکلا و موف بیشتر در پی آن است که علاوه بر توجه به نمادها و نقش‌هایی که کلمات در متن می‌پذیرند، دیدی کلی‌تر به متن داشته باشند و همه جوانب آن را در نظر بگیرند. آنها با در نظر داشتن شرایط اجتماعی و سیاسی متن، در مقایسه با نظریه پردازان قبلی نگاهی گسترده‌تر به قدرت، هژمونی و ایدئولوژی ارائه کرده‌اند و به آنها اهمیت بیشتری داده‌اند. در حقیقت، آنها تحلیل گفتمان انتقادی را از حوزه زبان‌شناسی وارد عالم سیاست و اجتماع کردند و از آن به عنوان ابزاری برای تحلیل‌های اجتماعی خود استفاده کردند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۵).

در دیدگاه لاکلا و موف<sup>۲</sup>، «به دلیل رابطه متغیر دال و مدلول، هر گفتمانی تلاش می‌کند عناصر موجود در حوزه گفتمان‌گونگی را وارد مفصل‌بندی خود کند و به آن معنایی جدید و ثابت ببخشد که در این صورت «وقته» شکل می‌گیرد و به نوعی توقف و انسداد معنایی در ارتباط با معنای گسترده «نشانه» یا «عنصر» به وجود می‌آید که این توقف معنایی همیشگی نیست و در موقعیت‌های گوناگون، معنای آن نیز تغییر می‌کند» (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۱۰). در این نظریه، سطح گفتمان خیلی گسترده است؛ به طوری که همه مفاهیم و عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و حتی امور مادی دارای برداشتی گفتمانی هستند و اذهان افراد و اجتماع را شکل می‌دهند. «از دیدگاه این نظریه گفتمانی، امور اجتماعی

3. Articulation

4. Highlighting and marginalization

1. Hegemony and social strategy

2. Laclau & Mouffe

دارند و «عنصر»<sup>۵</sup> خوانده می‌شوند» (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۱۲). عناصر نیز تا زمانی که وارد مفصل‌بندی نشده‌اند، هویت و معنای جدید نمی‌پذیرند و در صورتی که وارد مفصل‌بندی شوند، از اهمیتی خاص برخوردار می‌شوند که این معنای جدید نیز براساس شرایط و موقعیت‌های مختلف قابل تغییر است.

دال‌ها در نظر لاکلا و موف نقشی کلیدی دارند و می‌توان بر اساس آنها به معنا و مفهوم گفتمان پی برد. «دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهای انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمانی خاص، بر معنای خاص دلالت می‌کنند» (لاکلا و موف، ۱۹۹۴: ۱۴۰).

### ۵) هژمونی

هژمونی<sup>۶</sup> گفتمانی مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. «در صورتی که یک گفتمان موفق شود با اتکا بر دال مرکزی خود، مدل‌های مورد نظر خود را به گفتمانش نزدیک کند، یا به عبارت دیگر نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هر چند به طور موقت، تثبیت و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۳)؛ اما اگر گفتمان رقیب بتواند این نظام معنایی شکل‌یافته را به کمک ابزارهای مختلف به هم بریزد و آنها را در اذهان مردم بی‌تأثیر جلوه دهد، آن‌گاه این گفتمان هژمونی و برتری خود را از دست می‌دهد و آن را به رقیب واگذار می‌کند. «در واقع هژمونی به کمک تثبیت معنا حاصل می‌شود، اما در رویکرد لاکلا و موف، هژمونی در سراسر جامعه وجود دارد و با آن درهم‌تنیده است» (همان: ۸۳).

### ۶) گفتمان و سیاست

سیاست در نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف دارای اهمیت و گستردگی معنایی بیشتری است، به طوری که سایر عناصر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گفته فیلیپس و یورگنسن، نباید از سیاست در این نظریه، تعریفی محدود مانند سیاست به شکل حزبی آن ارائه کرد، بلکه مفهومی گسترده‌تر دارد (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۹۱: ۷۱). این گستردگی نشان می‌دهد که سیاست تمامی حوزه‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در ذهنیت افراد شکل می‌گیرد و هژمونی در جامعه به وجود می‌آید.

قدرت‌اند. «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی‌های نرم‌افزاری در قالب زبان و برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی‌های سخت‌افزاری به صورت‌های مختلفی مانند توقیف، حبس، اعدام، ترور، تظاهرات خیابانی و مانند آن نمود پیدا می‌کند» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۱۳).

### ۳) ضدیت و غیریت‌سازی

ضدیت<sup>۱</sup> و غیریت<sup>۲</sup> به این معناست که هر مفهومی در طبیعت و همچنین گفتمان‌ها با توجه به مفاهیم متضاد و غیریت معنا می‌یابند؛ مانند مفهوم شب و روز، خیر و شر، دنیا و آخرت. برای مثال، هویت خیر را با استفاده از هویت شر و هویت روز را با شب می‌توان درک کرد.

«اهمیت مفهوم غیریت یا ضدیت در آن است که هر چیزی در ارتباط با غیر هویت می‌یابد؛ چراکه اشیاء ذات و هویتی ثابت ندارند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند هویت می‌یابند. خصومت در اینجا فاقد هرگونه قانون ضروری و جهت‌گیری از پیش تعیین شده است. خصومت امری بیرونی است و باعث شکل‌گیری و انسجام گفتمان و نیز تهدید آن می‌شود. خصومت به رابطه یک پدیده با چیزی بیرون از آن اشاره دارد که این بیرون، نقش اساسی در هویت‌بخشی و تعیین آن پدیده ایفا می‌کند» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۵).

### ۴) دال مرکزی و دال شناور

دال مرکزی<sup>۳</sup> از دال‌های مهم در گفتمان محسوب می‌شود که دال‌های دیگر بر محور آن شکل می‌گیرند و آشکار می‌شوند. بدون دال مرکزی، در واقع، گفتمان هدف معینی را دنبال نمی‌کند و به ارائه مفاهیم و اهداف اصلی خود قادر نخواهد بود. در نتیجه، آن گفتمان معنای خود را از دست خواهد داد. «دال مرکزی در یک گفتمان نشانه یا دال ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال، دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آنها را در قلمروی جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۴۶). «به دال‌هایی که حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی تثبیت شده‌اند نیز «وقته»<sup>۴</sup> یا لحظه گفته می‌شود. «وقته‌ها» تا پیش از مفصل‌بندی درون گفتمان، در حوزه گفتمان‌گونگی قرار

1. Antagonism  
2. Otherness  
3. Nodal Point  
4. Moment

5. Element  
6. Hegemony

همچون دو بال پرنده‌ای هستیم/ اگر درخت موئی را از تو بکنند/ در اینجا من نیز احساس درد خواهم کرد...»  
«در شعر شیرکو، اگر دشمن گاهی بند اسارت در پای وطن او می‌افکند تا خود را صاحب این خاک معرفی کند، این بند با استقامت فرزندان این سرزمین سرانجام در گردن دشمن افکنده خواهد شد... چنین خاکی همیشه در برابر دشمن پایدار می‌ماند چراکه مردمانش چون کوه‌های این سرزمین از وی دفاع می‌کنند» (ههینی، ۲۰۰۸: ۱۷۰).

وطن‌پرستی در اشعار اخوان نیز جلوه‌ای خاص دارد و این توجه بیشتر به صورت توجه به مظاهر گذشته و ایران باستان نمود یافته است. در دیدگاه او، ایران باستان دارای شکوهی نظرگیر و ارزشمند و شایسته مهرورزی و احترام است. میهن‌پرستی و عشق به وطن، در شعرهای «ارغنون» و «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» جلوه یافته و اخوان آن را چنین آزادانه بیان می‌کند: «ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم/ تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم/ ... تو را ای گرانیام، دیرینه ایران/ تو را ای گرمی‌گهر دوست دارم/ ... هنروار اندیشه‌ات رخشد و من/ هم اندیشه‌ات، هم هنر دوست دارم» (اخوان، ۱۳۷۶: ۲۲۴).

بعد از حادثه کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، احساس ناامیدی و شکست عجیبی سراسر وجود شاعر را فرا می‌گیرد و او در شعر «فریاد» از مجموعه شعر زمستان، وطنش را به خانه‌ای تشبیه می‌کند که سراسر آتش گرفته است: «خانه‌ام آتش گرفته‌ست، آتشی جان‌سوز/ هر طرف می‌سوزد این آتش/ پرده‌ها و فرش‌ها را، تارشان با پود... همچنان می‌سوزد این آتش/ نقش‌هایی را که بستم به خون دل/ بر سر و چشم در و دیوار/ در شب رسوای بی‌ساحل» (اخوان، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۵).

اخوان عاشق وطن و احیای مجدد آن است و این احساس در سراسر اشعار او موج می‌زند. در شعر اخوان دوگانگی و تناقضی وجود دارد؛ او از طرفی دوست دارد شکوه و هیبت ایران به دوران باستان برگردد و در این اوهام و تخیلات به سر می‌برد، و از سوی دیگر، آرزومند پیشرفت، ترقی و مدرن شدن وطن نیز هست.

### دال‌های شناور (وقته) (۱) آزادی

آزادی، عدالت، عشق و انسان‌گرایی از مهم‌ترین دال‌های شناور گفتمان اجتماعی - سیاسی اخوان و شیرکو هستند که

### تحلیل گفتمان مضامین اجتماعی - سیاسی در اشعار بیکس و اخوان

گفتمان اجتماعی - سیاسی در اشعار شیرکو بیکس و اخوان ثالث دارای دال‌های شناوری مانند آزادی، عدالت، عشق و انسان‌گرایی است که حول محور دال مرکزی، یعنی «میهن‌پرستی» شکل می‌گیرند و در حوزه گفتمان اجتماعی - سیاسی مفصل‌بندی می‌شود.

### دال مرکزی

«میهن‌پرستی» از مضامین اصلی و دال مرکزی در اندیشه و گفتمان اجتماعی - سیاسی شیرکو بیکس و مهدی اخوان ثالث است که دال‌های شناور پیرامون آن شکل می‌گیرند و مفصل‌بندی می‌شوند. هر دو شاعر در این زمینه سروده‌های بسیاری دارند که دوستداری و عرق آنها را به میهن آشکار می‌سازد. عشق و وطن‌پرستی در اشعار شیرکو، با وجود دوری از وطن، موج می‌زند و شاعر وطن را با مواهب مادی و زرق و برق شهرهای کره خاکی عوض نمی‌کند:

«ولات زوره له کوردستان شوخ و شه‌نگتر،  
خوین‌گه‌رمتر/ ولات زوره له کوردستان، ... قسه  
خوشتر/ بلام نهی کوردستانه‌که‌م!/ ولات نیبه  
هه‌رگیز له تو خوشه‌ویستر» (بیکه‌س، ۱۹۹۰: ۵۷۲).

«سرزمین‌های زیادی هست/ از کردستان قشنگ‌تر،  
زیباتر، رنگین‌تر و خوش‌رنگ‌ونواتر/ سرزمین‌های زیادی  
وجود دارد/ از کردستان خوش‌سخن‌تر و رنگین‌تر/ اما ای  
میهنم/ تو دوست‌داشتنی‌ترین‌ها هستی...»<sup>۱</sup>

شاعر از اینکه وطنش مورد تهاجم دشمن قرار گرفته آرام و قرار ندارد و هنگام برقرار کردن پیوند با کوهستان و کوه‌های آن، تاریخ سرزمین و مردمانی را بیان می‌کند که سراسر رنج و محنت بوده است. شاعر همچنین وجود خود را با وطن یکی دانسته که اگر درخت موئی را از آن بکنند، بدن او نیز درد می‌گیرد:

«نه‌ی خاکی جنراوم! گویم لپته بانگ  
نه‌که‌ی/ ... هه‌ردووکمان دووبالی مه‌لپکین/ گهر  
پرچی ره‌زبکت له‌ویبه هه‌لکیشن/ لپره‌وه زریکه‌ی  
شه‌پولی سیروانم سه‌وه‌نه‌کا» (همان: ۴۰۲-۴۰۳).<sup>۲</sup>

«ای سرزمین پاره‌پاره‌شده‌ام! صدای فریادت را می‌شنوم/  
... ای سر خونین کردستان! من بازوی بدن تو هستم/ هر دو

۱. ترجمه از حیدر عبداللہی

۲. ترجمه از حیدر عبداللہی

مهیّب / آسمان گرد و غبار / پس از چندی هوا لطیف / روی  
قطعه‌های سکوت / مردی بلندبالا دیدم / صدا صدای  
بیشکچی / شعر آزادی می‌خواند / و سروده‌هایی روشن / به  
گرد او حلقه زدند» (بیکس، ۱۳۸۷: ۳۹).

«آزادی» همچنین یکی از دال‌های شناور گفتمان اخوان  
ثالث است و در دیوان او جایگاهی رفیع دارد. شاعر تمایلات  
آزادی‌خواهانه را در اشعارش بیان می‌کند و آزادی مورد نظر،  
آزادی وطن و رها شدن از دست ظلم و بی‌عدالتی و بازگشت  
عزت و بزرگی به کشور است. «او در شعر «زمستان»، فضای  
رعب و وحشت و نبود آزادی و همچنین بر باد رفتن تمایلات  
آزادی‌خواهان را بیان می‌کند؛ ما صدای کسانی را در این  
شعر می‌شنویم که آرمان‌هایشان بر باد رفته و با تجربه‌های  
همیشه تلخ در برابر فشار، زور، خفقان و نبود آزادی قلم و  
بیان قرار گرفته‌اند» (محمدی آملی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

سگ‌ها در شعر «زمستان» اخوان نماد انسان‌های  
دون‌مایه و پستی هستند که سرسپرده حاکمان‌اند و در آزار و  
اذیت مردم از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و گرگ‌ها نماد  
انسان‌های آزادی‌خواه و تهیدستانند که در برابر ظلم و ستم  
ایستادگی کرده، از آزادی و عزت نفس جامعه و خود دفاع  
می‌کنند: «بنوش ای برف! گلگون شو، برافروز! که این  
خون، خون ما بی‌خانمان‌هاست / که این خون، خون  
گرگان گرسنه است... / در این سرما، گرسنه، زخم‌خورده،  
دویم آسیمه سر بر برف، چون باد / ولیکن عزت آزادی را /  
نگهبانیم، آزادیم، آزاد» (اخوان، ۱۳۸۲: ۷).

آزادی در گفتمان رژیم پهلوی دارای معنا و مضامین  
جداگانه است که بیشتر در قالب آزادی‌های پوششی نمود پیدا  
می‌کند و شامل مجموعه‌ای از آزادی‌های سیاسی و نوگرایی  
جسته و گریخته تقلیدی از غرب است که اصالت و تناسبی با  
جامعه وقت ندارد. اخوان در شعر «میراث» آزادی‌ای را که با  
فقر و عزت نفس همراه است، بر زندگی اشرافی که به پستی  
و دنائت آلوده است، رجحان می‌دهد و حاضر نیست پوستین  
کهنه خود، میراث نیاکانش، را با جامه‌های گرانبهای اشرافی  
عوض کند: «پوستینی کهنه دارم من / یادگار از روزگاران  
غبارآلود / ... های فرزندم! / ... بعد من این سالخورده / با بر و  
دوش تو دارد کار / لیک هیچت غم مباد از این / کو، کدامین  
جبه زربفت رنگین می‌شناسی تو / کز مرقع پوستین کهنه من

پیرامون دال مرکزی (مهمین‌پرستی) مفصل‌بندی و تبدیل به  
«وقته» می‌شوند و معنایی خاص را در این گفتمان به خود  
اختصاص می‌دهند. در گفتمان اجتماعی - سیاسی بیکس و  
اخوان ثالث، آزادی و رهایی از دست اشغالگر و استبداد از  
مضامین عمده محسوب می‌شود که بدون آن، گفتمان  
اجتماعی - سیاسی از نظر دو شاعر بسیار کمرنگ می‌شود. از  
نظر هر دو شاعر، آزادی با دموکراسی، حق‌طلبی و رهایی از  
چنگال استبداد و استعمار و استقلال کامل کشور همراه است  
و آنها درصدد تحقق بخشیدن به این رؤیا هستند. بیکس به  
دنبال آن است که با اشعارش فریاد مظلومیت و دادخواهی  
ملتش را به گوش جهانیان برساند و همچنین آنها را علیه  
ظلم و ستم رژیم بعث برانگیزاند. با این حال، فکر و اندیشه  
بیکس بر کاغذ همانند ابر و آذرخش است و وقتی نمود یابد،  
باران بر کشتگاه می‌بارد و مردم به پا می‌خیزند تا علیه ظلم و  
ستم حکومت بعث قیام کنند و به این شیوه، اشعار او نمود  
آزادی و حق‌خواهی پیدا می‌کند که در خدمت مردم است:

«قه‌له‌می «زنجی» به‌ک / له سهر کوشکی  
سپی راه‌ه‌ستابوو / هاواری کرد: / که برووسکه ته‌وقه  
له گهل هه‌ورا نه‌ک / کپلگه‌کان هه‌لنه‌سنه سه‌ریئ و  
دروشمی «باران» هه‌لنه‌گرن... / منبیش هه‌ر چه‌نده  
وشه‌کانم ته‌وقه له گهل ده‌نگما نه‌کهن / شه‌یره‌کانم  
راست نه‌بنه‌وه و داوای سه‌ره‌ستیم لی نه‌کهن...»  
(بیکس، ۱۹۹۰: ۳۴۵).

«ایستاده قلم زنگ / بر کاخ سفید و گفتا: / آنگاه آذرخش  
و ابر / دست در دست هم شوند / کشتگاه برمی‌خیزد و پرچم  
باران فرازد... / هرچند واژگان مرا / همدست فریادم شدند /  
سروده‌ام برخیزد و آزادی از من طلبد» (بیکس، ۱۳۸۹: ۲).

از طرف دیگر، آزادی در گفتمان رژیم بعث بیشتر به  
معنی رهایی از سرکوب استعمار است و با آزادی از منظر  
شیرکو بیکس فرق دارد. این نوع آزادی با دموکراسی و حقوق  
بشر قرابت ندارد. در اندیشه بنیانگذاران حزب بعث، زندگی  
زیر یوغ امپریالیسم، استعمار و دیکتاتوری غیرروشنگر، آزادی  
را تضعیف و شرایطی را فراهم می‌کند که در آن اندیشه‌ها به  
جای آنکه از پایین، یعنی از تعامل انسان‌ها نشأت گیرند، از  
بالا تحمیل می‌شوند. شاعر به دنبال آزادی و خواهان به  
دست آوردن آن است؛ به طوری که او در میان جامعه غرق  
سکوت و خفقان زده فریاد و ندای آزادی‌خواهی برآورد و سبب  
آگاهی‌بخشی و بیداری بسیاری از مردمان جامعه خود شد:  
«حفره‌ای در سکوت / از فریاد یک مشت ... دو مشت / از  
جسارت یک بیل ... دو بیل / از دانش چند گرم تی‌ان‌تی / فرو  
کردم / از دور دور / انگشت بر اهرم رنج / فشار دادم / انفجاری

۱. روزنامه‌نگار و نویسنده ترک‌تبار که کتاب و مقالات زیادی در دفاع از  
حقوق کردهای ترکیه نوشته است.

قدرت/ حقیقتی در آهن و اهورا و درون تفنگ و مشت  
گره کرده ما/ ... به سان گذشته‌ها با نسیم دریا/ فرود آوریم  
گردن را و چنان انگشتری/ به سان تاریخ خویش فرو کردیم/  
دیوار چین را و اندلس را و/ چنان چون اسبی زین‌افزار  
برنهادیم جهان را» (بیکس، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱).

اخوان نیز پیش از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ شاعری  
پر شور و امیدوار بود و افراد جامعه را به امید و مبارزه علیه  
ظلم و استبداد دعوت می‌کرد. او در زندان با جوانانی دیدار  
کرد که در راه آزادی و عشق به میهن با خونشان وضو گرفته  
بودند و آماده قیام و ایستادگی در میدان کارزار علیه ظلم و  
بی‌عدالتی بودند: «پاکمردانی که در آیین و دین خود/ در نماز  
عشق با خونشان وضو کردند/ اعتلای ملک و ملت، سرخط  
ایمان ایشان بود/ و به عزم آهنین خود/ دفتر ایمان به خون  
امضا و با خون شست‌وشو کردند» (اخوان، ۱۳۷۲: ۱۶۵).

اخوان پس از دوره شکست، امید از دست داده، چنین  
می‌سراید: «من ولیکن باز/ شادمان بودم/ دیگر اکنون از بزبان  
و گوسفندان پرت/ خویشتن هم گله بودم هم شبان بودم/ بر  
بسیط برف‌پوش خلوت و هموار/ تک و تنها با درفش خویش،  
خوش خوش پیش می‌رفتم» (همان: ۱۱۵).

از تفاوت‌های شیرکو بیکس و اخوان در مبارزه با  
بی‌عدالتی و ستم این بود که شیرکو همیشه برای مبارزه  
عزیمی راسخ داشت و تا آخر عمر برای آن کوشید اما اخوان  
بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ دچار نوعی یأس و ناامیدی شد و  
انگیزه و امید قبلی خود را برای مبارزه از دست داد.

### ۳) عشق

عشق نیز در گفتمان اجتماعی - سیاسی شیرکو و اخوان،  
برای رسیدن به اهداف و آرزوی اصلی شکلی سیاسی به خود  
می‌گیرد و در ارتباط با دال مرکزی (میهن‌پرستی) و در کنار  
سایر دال‌ها مفصل‌بندی می‌شود و معنایی گفتمانی به خود  
می‌گیرد. عشق در دیوان این دو شاعر دارای مدلول‌هایی  
مانند عشق به میهن، عشق به آزادی، عشق به زن، عشق به  
برابری و عدالت و ... می‌شود. عشق در اشعار بیکس بیشتر  
شامل عشق به میهن، زن و آزادی می‌شود و گاهی این  
مفاهیم چنان به هم آمیخته می‌شوند که جدایی آنها از  
یکدیگر غیرممکن است:

«نیشتمان له «سه‌ر» با/ هر به رده‌موره‌که‌ی  
گیرفانی شوآنزکی عاشقی «خه‌حی» به/  
نیشتمان له ده‌نگیا/ خوئندی که‌ویک و تریقه‌ی  
دوو کیزی دیلانزی مایینی دوو داری ناو دئییه...»  
(بیکس، ۱۳۹۰: ۳۱۶).

پاک‌تر باشد؟ با کدامین خلعتش آیا بدل سازم/ که در سودا  
ضرر باشد/ آی دختر جان! همچنانش پاک و دور از رقعۀ  
آلودگان می‌دار» (اخوان، ۱۳۸۷: ۳۸).

دو شاعر در بیان مفاهیم مربوط به آزادی دارای  
اشتراکات زیادی هستند، اما اختلافی جزئی نیز با هم دارند و  
آن این است که شیرکو بیکس با بیانی صریح و بی‌پرده‌تر به  
فضای ظلم و خفقان و نبود آزادی در جامعه اشاره می‌کند و  
اخوان با زبانی نمادین و غیرصریح به ترسیم این موضوع  
می‌پردازد.

### ۲) عدالت

شیرکو بیکس و اخوان ثالث جزو شاعرانی هستند که در برابر  
اوضاع و شرایط اجتماعی جامعه خود احساس مسئولیت  
می‌کردند و دال «عدالت» در نظر آنها دارای مدلول ایستادگی  
در برابر ظلم و بی‌عدالتی است. آنها برای سرنوشت افراد  
جامعه خود ارزش قائل می‌شدند و تشویقشان می‌کردند در  
برابر ظلم و بی‌عدالتی به پا خیزند و سرنوشت خود را به دست  
گیرند. از نظر بیکس، از زمان تشکیل کردستان، شعر مقاومت  
و پایداری نیز به وجود آمده است و مبارزه علیه بیدادگری و  
بی‌عدالتی به شیوه‌هایی مختلف مانند سکوت، اعتراض و  
فریاد از طریق شعر پایداری و حتی مبارزه در میدان و کارزار  
وجود داشته است:

«من پیم وت:/ مؤمئیکی نه‌شکه‌وتی باله‌کیان/  
یه‌که‌مین روژنامه‌ی بارانی نه‌پلوولم هیئاوه/ من  
ده‌نگی پینشمه‌رگه‌م/ له‌گه‌ل خوّم هیئاوه.../  
ئه‌وه‌تا من لئره به‌که‌مین په‌نجه‌ره‌م کرده‌وه...»  
(بیکس، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

«شمعی از غار بالکیان/ اولین روزنامه سپتامبر آورده‌ام/  
صدای پیشمرگه را به همراه آورده‌ام/ او گفت:/ روزنامه! پنجره  
صدای ملت است/ آن‌گاه که بر دنیا گشوده می‌شود/ می‌بینی  
من اینجا اولین پنجره را گشوده‌ام» (بیکس، ۱۳۸۰: ۶۰۶).

دال عدالت از نظر حکومت بعثی دارای مدلول و  
نمادهایی متفاوت است که بیشتر شامل ایستادگی و مقاومت  
در برابر کشورهای استعماری و غربی است. بنیانگذاران  
گفتمان بعثیسم به دنبال سه عنصر مهم اتحاد، آزادی و  
ناسیونالیسم بودند و اینها در صورتی تحقق می‌یافت که  
کشورهای عربی متحد می‌شدند و در برابر استعمار کشورهای  
غربی ایستادگی می‌کردند. بیکس معتقد است مبارزه و  
ایستادگی در برابر ظلم و ستم تنها راه نجات و رهایی از  
دست استبداد است و از این راه می‌توان به موفقیت و پیروزی  
رسید و میهن را از دست بیگانگان نجات داد: «قدرت، قدرت،

که در آن پلشتی، انحراف و حيله نباشد تا روح جلایافته به سمت قدس اهورایی پرواز کند:

«چون پرده حریر بلندی / خوابیده مخمل شب، تاریک  
مثل شب / ... امشب به یاد مخمل زلف نجیب تو / شب را چو  
گره‌ای که بخوابد به دامنم / من ناز می‌کنم / ... امشب به  
سوی قدس اهورایی / پرواز می‌کنم» (اخوان، ۱۳۸۷: ۶۳).

#### ۴) انسان

«انسان» نیز یکی از دال‌های شناور در گفتمان اجتماعی - سیاسی شیرکو و اخوان است که پیرامون دال مرکزی (میهن‌پرستی) مفصل‌بندی می‌شود و در حوزه گفتمانی قرار می‌گیرد که در اشعار دو شاعر به شیوه «انسان‌گرایی» نمود پیدا کرده است. انسان‌گرایی یعنی توجه به انسان فارغ از هر رنگ، جنس و نژاد که در این مورد اندیشه جهان‌وطنی مطرح است و به همه انسان‌ها به صورتی واحد نگریسته می‌شود. هر دو شاعر به این بُعد از انسان‌گرایی اعتقاد دارند. به نظر شیرکو بی‌کس، همه چیز نابود خواهد شد و از بین خواهد رفت و تنها نام انسان‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز ماندگار است و از آن به نیکی یاد خواهد شد؛ بزرگانی مانند گاندی که علیه ظلم و ستم بیگانگان مقاومت کرد و سرنوشت ملتش را تغییر داد: «در هندوستان / مهر شاهان / نشانه پای پیلان / نعره شیر / ... همه رفتند، بی نشانه، بی اثری از بودشان / در هندوستان / آن نشانه ... زنده‌ست تا بی کرانه / بز گاندی‌ست / که می‌زید / در ورای هر زمانه» (بی‌کس، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

انسان‌گرایی در اندیشه رژیم بعث دارای مدلول‌هایی متفاوت است که بیشتر شامل برتری قوم عرب بر دیگر قومیت‌ها و ملیت‌ها می‌شود. در این حوزه گفتمانی سعی می‌شود انسان‌گرایی به مدلول‌هایی نسبت داده شود که اغلب به نفع قوم یا عده‌ای خاص و به ضرر قومیت‌های دیگر بینجامد.

بی‌کس به انسان و محدوده جغرافیایی‌ای که در آن زندگی می‌کند نگاهی جهان‌وطنی و فراتر از مرزهای تعیین‌شده دارد. او با ذکر نام آمریکای جنوبی در قطعه زیر بر ایده حذف مرزها پای می‌فشارد: «شبی به دور از دیدگان پاسبان / در آمریکای جنوبی / چند مرز گرد هم شدند / هم گفت بر این باور که تا / در این جهان / گذرنامه شهر و ده یکسره بازپس کنند / و هم دگر پاک کنند / ناگاه در واپسین دم / در هنگامه پا شدن / محاصره، از سوی پایتخت‌ها شدند / که هر کدام تقسیم به چند تکه‌ای / گذرنامه‌ای در بغل / رها شدند» (بی‌کس، ۱۳۸۹: ۲).

«میهن در سرش مهر نماز چوپانی است دل‌باخته خج / و در نواش، نغمه کبک و قهقهه دو دختر است / که در زیر درختان روستا گرم تاب‌بازی‌اند» (بی‌کس، ۱۳۸۰: ۴۹۹).

در گفتمان حزب بعث دال عشق نیز دارای مدلولی متفاوت است که بیشتر حول محور عشق به وطن و قوم عرب و نفی ملیت و قومیت‌های دیگر می‌گردد. این عشق به وطن از دیدگاه بعثیسم به کشور خاصی مانند عراق محدود نمی‌شود، بلکه همه کشورهای عربی را در بر می‌گیرد که به دنبال اتحاد و یکپارچگی آنها بودند.

مدلول عشق در شعر شیرکو در وجود مادر این‌گونه نمود یافته است: «آه مادرم، آه برای چشمی، گردنی، کاکلی / هنوز بوی نخستین ریحانه عشق و / بوی نخستین نیم‌بوسه و / هنوز بوی نخستین خانه و / بوی محله سرگل و / بوی گل ملکندی و بوی ویس / از او می‌آمد / آه مادرم» (بی‌کس، ۱۳۸۶: ۳۱۴).

دال عشق در اشعار اخوان نیز جلوه و رنگ و بویی خاص دارد و مفهوم دیگری را برای آن به کار برده است. در نگاه اخوان، عشق در زمان و لحظه لحظه زندگی و در همه اجزا و عناصر طبیعت تجلی یافته است: «من از عشق، مفهوم دیگری برای خود دارم. همین الان هم عشق مرا وادار به نوشتن کرده است؛ عشق به همین لحظه، ... بی‌عشق زندگی کردن مفهوم ندارد؛ اصلاً ممکن نیست، یا اگر باشد، پوچ است و هیچ و سرد و یخ‌زده ... باید گفت عشق، خود زندگی است و تعبیر و لفظ دیگری است برای مفهوم و معنی زندگی» (اخوان، ۱۳۸۷: ۳۲).

«اخوان در عشق [دوره اول شاعری خود]، روی دیگر زندگی یا همان تری و ترانگی، طراوت و نشاط را می‌بیند. این عشق اما چندان از حضور جامعه مجرد است که فضا سازی آن نیز غالباً (جز در چند مورد) یک فضا سازی تابع عاطفه لحظه‌ای عاشق است» (کاخ، ۱۳۷۰: ۳۶۳).

عشق در نگاه شیرکو بی‌کس در عشق به میهن، زن و آزادی نمود پیدا می‌کند و شاعر سعی می‌کند عشق حقیقی و راستین را در وجود آنها خلاصه کند. عشق در نگاه اخوان نیز در همه زندگی و عناصر طبیعت جاری است و او دو مرحله عشق را پشت سر گذاشته است که یکی از آنها مربوط به دوران جوانی و عواطف مربوط به آن، فارغ از پلشتی‌های روزگار است و مرحله دوم نیز مربوط به پس از شکست روشنفکری بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ است که در آن مفهوم عشق رنگی دیگر می‌گیرد و عشق در دنیایی روی می‌دهد



سست/ رسم ادب ادا کند/ فرو آید/ مویه سر داده و آنگه ره بسپرد/ ... ولی هرگاه شعر من/ پا در حریم غصه‌های او نهاد/ دیگر سویم نیارد ره/ در آغوش سنگ مزاری آرمد» (بیکس، ۱۳۸۷: ۵۷).

دستیابی به هژمونی به کمک معنادگی به دال مورد اختلاف میان گروه‌ها و تثبیت معنایی آن در ذهن و افکار عمومی حاصل می‌شود و تثبیت موقت هویت‌ها اصلی‌ترین هدف هژمونی در گفتمان است. «مفهوم هژمونی یا استیلا حول این موضوع است که در ساحت سیاست و اجتماع، چه کسی برتر است و کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت» (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۹).

اخوان ثالث نیز در شعر «سگ‌ها و گرگ‌ها»، که بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ سروده شده، به ظلم و ستم و فضای نامیدانه‌ای که در همه سطوح جامعه نفوذ کرده اشاره می‌کند: «سرود کلبه بی‌روزن شب/ سرود برف‌باران است امشب/ ولی از زوزه‌های باد پیداست/ که شب مهمان توفان است امشب» (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۷۳). او در این شعر سعی می‌کند با تکیه عادت سگ‌ها و جیره‌خواران و تحسین رفتار گرگ‌ها و آزادی‌خواهان، هژمونی گفتمان آزادی‌خواهی خود را مسلط کند و گفتمان رقیب را به حاشیه ببرد و متزلزل سازد: آواز سگ‌ها «زمین سرد است و برف آلوده‌تر/ هوا تاریک و توفان خشمناک است/ کشد- مانند گرگان- باد زوزه/ ولی ما نیکیختان را چه باک است؟/ کنار مطبخ ارباب، آنجا/ بر آن خاک‌اره‌های نرم خفتن/ وز آن ته‌مانده‌های سفره خوردن/ و گر آن هم نباشد، استخوانی/ چه عمر راحتی، دنیای خوبی/ چه ارباب مهربانی!/ ولی شلاق! ... این دیگر بلایی‌ست/ بلی، اما تحمل کرد باید...» (همان) و در مقابل، گرگ‌ها گرفتار شب و سرمای طاقت‌فرسای زمستان‌اند و پناهگاهی ندارند که در آن آرام بگیرند: آواز گرگ‌ها «زمین سرد است و برف آلوده‌تر/ هوا تاریک و توفان خشمناک است/ کشد- مانند سگ‌ها- باد زوزه/ ... شب و کولاک رعب‌انگیز و وحشی/ ... سرمای پرسوز حکومت می‌کند بر دشت و بر ما/ نه ما را گوشه گرم کنای.../ نه حتی جنگلی کوچک که بتوان/ در آن آسود بی‌تشویش گاهی» (همان).

### ضدیت و غیریت‌سازی

شیرکو بیکس و اخوان ثالث سعی کرده‌اند ضدیت و غیریت‌سازی را در اشعارشان مطرح کنند و به آن بپردازند.

«انسان‌گرایی» در اشعار اخوان ثالث از توجه او به انسان و سرنوشت وی حکایت می‌کند. عشق به انسانیت و ظهور انسان آزاد و سرفراز در میان اشعار اخوان موج می‌زند: «انسانی که در چشمه عرفانی باستان تن خواهد شست و پاک و فرخنده‌روز خواهد شد» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۱۲۶). او ایرانی شریف و فرهیخته را، چنان‌که شایسته است، در اشعارش به نمایش می‌گذارد. به نظر او، حق انسان ضایع شده و علیه او ظلم و بیداد صورت گرفته است. این مفاهیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در شعر او نمود یافته است. به نظر او انسان توانایی تغییر شرایط را دارد و باید برای این تغییر قیام کند: «برخیزم و طرح دیگر اندازم/ بنیاد سپهر را براندازم/ ... در صف مبارزان کربوبی/ بس سر به سنان و خنجر اندازم/ گر سد سکندر به پیش آید/ از باختش به خاور اندازم/ ... فریادکنان حماسه‌ها خوانم/ ... هر جا که روم سرود آزادی/ چون قافیۀ مکرر اندازم» (اخوان، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۱۹).

دال انسان‌گرایی در اندیشه سران رژیم پهلوی مدلولی متفاوت داشت و اغلب مربوط به هویت ایرانی و محدود به نژاد آریایی بود. در این گفتمان، شاه‌دوستی نیز یکی از مدلول‌های انسان‌گرایی و وطن‌پرستی محسوب می‌شد که رژیم پهلوی درصدد نهادینه کردن آن در ذهن افراد جامعه بود. از تفاوت‌های اساسی دو شاعر در زمینه انسان‌گرایی آن است که شیرکو بیکس اندیشه‌ای جهان‌وطنی داشت که فراتر از مرزهای جغرافیایی است، ولی انسان‌گرایی در اندیشه اخوان بیشتر در حیطه هویت ایرانی و نژاد آریایی است.

### هژمونی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

بیکس و اخوان در گفتمان اجتماعی - سیاسی خودشان سعی می‌کنند با اهمیت دادن به دال‌های شناور و مرکزی خود و برجسته‌سازی آنها، دال‌های مرکزی گفتمان رقیب (رژیم صدام و پهلوی) را به حاشیه برانند و گفتمان و دال مرکزی خود را که شامل وطن‌دوستی و استقلال آن است برجسته و هژمونی گفتمان خود را مسلط کنند. آنها سعی می‌کنند در خلأ به‌وجودآمده و در زمان از دست دادن اعتبار و مشروعیت رژیم‌های بعث و پهلوی به علت سرکوب، ستم، خفقان، آوارگی، انفال (نسل‌کشی)، کشتار شیمیایی، با مستولی کردن گفتمان و دال خود، استیلا و هژمونی گفتمان رقیب را کنار بزنند.

شیرکو بیکس در مورد کشتار شیمیایی حلبجه و ستمی که رژیم بعث بر کردها روا داشت، اندوهگنانه چنین می‌سراید: «هر ابر که بر حلبجه بگذرد/ باید چندی پا کرده

اولویت دارد و مفصل‌بندی سیاسی تعیین می‌کند چگونه فکر و عمل کرده و در نتیجه، جامعه را خلق کنیم» (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۶۴).

شیرکو بیکس در شعر زیر فضای خفقان و سیاست اجبار و استبداد را بر جامعه توصیف می‌کند؛ فضایی که طناب دار، زندان، آوارگی، ستم و بی‌عدالتی در آن آشکار بود: «به هر کجا که درشوی / سایه‌ای منگ بر رخسارت نشسته است / که آن سایه غریبی است / در اینکت، نه سایه زلفکانت / پنجره و اتاقت / بلکه شاید سایه یک طناب دار / یا خیال محبسی از سرزمین تو باشد / یا شاید غروبی خلوت و خاموش / از کوچاندن دهی از سرزمین تو باشد» (بیکس، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

اخوان ثالث نیز بعد از حوادث ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، خود را در شهری بی‌تپش و با گروهی از گفتاران، گرگان و روباهان می‌بیند که تنها مانده است: «باز ما ماندیم و شهر بی‌تپش / و آنچه گفتارست و گرگ و روبه‌ست / گاه می‌گویم فغانی بر کشم / باز می‌بینم صدایم کوتاه است» (اخوان ثالث، ۱۳۷۲: ۲۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دغدغه مشترک میهن‌پرستی، به مثابه دال مرکزی، در اشعار شیرکو بیکس و اخوان ثالث از بسامد بالایی برخوردار است. از دال‌های شناوری که پیرامون دال مرکزی شکل گرفته و تبدیل به وقته شده‌اند، می‌توان به درونمایه‌های آزادی، عدالت، عشق و انسان اشاره کرد. میهن‌دوستی با آزادی، عشق و انسان در دیوان شیرکو و اخوان پیوندی تنگاتنگ دارد و هر دو شاعر برای رسیدن به آزادی به این مضامین نظری جدی داشته‌اند. شیرکو بیکس با تکیه بر این مضامین توانسته است زبان رسای مظلومیت، آوارگی و ستم‌دگی ملت گرد باشد که رژیم بعث و صدام علیه آنها روا داشت و از فجیع‌ترین جنایات بشری مانند انفال (نسل‌کشی) و کشتار شیمیایی دریغ نرزد. بیکس، همچون تاریخ‌نگاری منتقد، حوادث و فجایع را در اشعار خود به گونه‌ای ثبت کرده است که در حافظه مردم درج شود تا خطاهای تاریخی خود را پیش چشم داشته باشند. او در گفتمان‌ش درخواست تغییر وضع موجود و حصول آزادی را به آنان یادآوری می‌کند. اخوان نیز سعی کرده در برابر دال میهن‌دوستی در زمان پهلوی، که بیشتر حول محور شاه تعریف می‌شد، مقابله و حس میهن‌دوستی واقعی را القا کند که بیشتر شامل آزادی، استقلال و کوتاهی دست بیگانگان

برای مثال، شیرکو رژیم بعثی صدام را که انواع مصایب و کشتارها را بر مردم گرد روا داشته بود، غیر و دیگری معرفی می‌کند و گفتمان و هژمونی خود را در مقابل گفتمان غیر، مسلط و مستولی می‌سازد. او در همین باره با اشاره به سرکوب قیام سال ۱۹۵۷ میلادی به رهبری ملا مصطفی بارزانی به دست صدام می‌گوید: له مارتی شوومی ۱۹۵۷ / نه و ده‌مه‌ی به‌هار گریا و گولیان کوپر کرد / نه و ده‌مه‌ی چه‌کیان سه‌ر به‌رهو خوار هه‌لئه‌واسی و / مه‌چه‌کیان له سیداره‌ی به‌غدا دا / نه و ده‌مه‌ی فوویان له هه‌موو مؤمه‌کان کرد و / له گورستان‌ی شه‌وه‌زه‌نگدا ناشتیانن: نه و ده‌مه‌ی دارستان دستگیر کرا و / ته‌سلیم و شاخ به شاخ کرا (بیکس، ۱۹۹۹: ۶۴)

شیرکو در این شعر سال ۱۹۵۷ را سالی نحس و شوم در تاریخ کردستان معرفی می‌کند و با اشاره به اینکه رژیم بعث سبب گریه بهار، کور شدن گل، خاموشی و به خاک سپردن همه شمع‌ها و جنگل شده است، این رژیم را به عنوان غیر و ضد معرفی می‌کند، اعمال آنها را تقبیح می‌کند و آنان را به حاشیه می‌راند.

به نظر لاکلا و موف، همواره غیریت وجود گفتمان را تهدید می‌کند و استدلال می‌کنند که «اگر غیریت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند» (لاکلا و موف، ۱۹۹۰: ۲۷).

اخوان نیز در اشعارش رژیم پهلوی را غیر داخلی و استعمار انگلیس و آمریکا را قدرت معارض و غیر خارجی معرفی می‌کند. او با افشا و تقبیح اعمال ستمکاران و تأکید بر بی‌غیرتی حکام پهلوی در مقابل بیگانگان به غیریت‌پنداری و ضدیت‌سازی و به حاشیه راندن گفتمان آنها اقدام کرده است. به این طریق، گفتمان ناسیونالیستی اخوان در ضدیت با استبداد پهلوی و استعمار هویت می‌یابد: «جنگل مولاست کشور گل و بلبل / گیسوی زنگی صفت، سیاه و پریشان / رشته‌ای سر در کمند، دولت و ملت / دولت بی‌غیرت و ملت بی‌جان (اخوان، ۱۳۶۱: ۵۰).

### گفتمان و سیاست

گفتمان و سیاست در اشعار شیرکو بیکس و اخوان ثالث دارای جایگاهی ویژه است به طوری که می‌توان دغدغه اصلی دو شاعر را مسائل سیاسی و اجتماعی دانست. از نظر لاکلا و موف، «سیاست» دارای بیشترین اهمیت است. «سیاست

آزادی، عدالت، عشق و انسان سعی کرده‌اند معانی تازه‌ای را در مقابل گفتمان رقیب به آنها بدهند و گفتمان متقابل را متزلزل کنند و به حاشیه برانند به طوری که اشعار آنها می‌تواند اسباب تحولات اجتماعی و سیاسی را فراهم آورد.

دانشگاه مفید.

سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. فصلنامه علوم سیاسی. سال هفتم. شماره ۲۸. صص ۱۵۳-۱۸۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی). تهران: نشر نی.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۳). نگاهی به مهدی اخوان ثالث. چاپ اول. تهران: مروارید.

صدراپی، رقیه و صادقی، معصومه (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان ناسیونالیستی در مجموعه اشعار احمد شاملو (بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف). متن پژوهی ادبی. سال ۲۲. شماره ۷۵.

فیلیپس، لوئیز و یورگنسن، ماریان (۱۳۹۱). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. چاپ اول. تهران: انتشارات نی.

کاخ، مرتضی (۱۳۷۰). باغ بی‌برگی؛ یادنامه اخوان. چاپ اول. تهران: زمستان.

لاکلا، ارنستو و موف، شانتال (۱۳۹۲). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی: به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال. ترجمه محمد رضایی. تهران: نشر ثالث.

مارش، دیوید و جری، استوکر (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

میراحمدکی، حلیمه و تجلی اردکانی، اظهر (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان اوصاف طبیعت و احوال اجتماع در اشعار مهدی اخوان ثالث براساس رویکرد ون‌دایک. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. سال ۱۴. شماره ۵۷. صص ۲۹-۶۲.

ورزنده، امید (۱۳۹۲). انسان، مبارزه و عشق در شعر شیرکو بیکیس و احمد شاملو. فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه آزاد سنندج. سال هفتم. شماره ۲۴. صص ۱۶۱-۱۸۴.

هه‌بینی، شمشیرزاد (۲۰۰۸). ۹۵۵ خوله‌کیزک له گه‌ل شدرکو بیکه‌سدا. کوردستان. چاپخانه تیشک.

بود. هر دو شاعر با تفویض مفاهیم جدید به دال‌های خود و بخشیدن مفاهیم و معانی تازه و غیرمکرر به آنها، بیشترین تأثیر را در حوزه گفتمانی خود ایجاد کرده‌اند. دو شاعر با به کار بردن و برجسته‌سازی دال‌ها و وقته‌های مورد نظر خود مانند

## منابع

اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۲). آخر شاهنامه. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات مروارید.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). سه کتاب. تهران: انتشارات زمستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات زمستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). زمستان. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات زمستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). ارغنون. چاپ شانزدهم. تهران: نشر زمستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). از این اوستا. چاپ دوازدهم. تهران: نشر زمستان.

بیکیس، شیرکو (۱۳۸۰). دره پروانه. ترجمه محمدرئوف مرادی. چاپ اول. تهران: نشر آشنا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). گورستان چراغان. ترجمه رضا کریم مجاور. چاپ اول. تهران: انتشارات پویان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). صلیب، مار و روزنگار یک شاعر. ترجمه صلاح منوچهری. تهران: انتشارات پویان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). اختران بی‌آسمان. ترجمه صلاح منوچهری. چاپ اول، سنندج.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). پگاه. ترجمه صلاح منوچهری. چاپ اول، سنندج.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۸). اینک دختری میهن من است. ترجمه رضا کریم جاور. چاپ دوم. تهران: انتشارات نگاه.

\_\_\_\_\_ (۱۹۹۰). دیوانی شیرکو بیکه‌س. سنوکهولم.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

جعفری، جهانگیر (۱۳۸۴). بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در اشعار نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینای همدان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم:

Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and social strategy: towards a radical Democratic politics*. London: verso publishing.

Laclau, E., & Mouffe, C. (1994). *The*

*making of political identities*. London: Verso.

Laclau, E., & Mouffe, C. (1990). *New reflections on the revolution of our time*. London. Verso.